



نشریه ویژه تدارک کنگره چهارم

۲۲ مرداد ۱۳۸۹ - ۱۳ اوت ۲۰۱۰

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
Worker-Communist Party of Iran - Hekmatist

۳

دوره چهارم

شماره:

کنگره

در مورد مسائل مربوط به کنگره با ای میل زیر تماس بگیرید:

سردبیر: کورش مدرسی Kongere4.hekmatist@gmail.com

تاریخ های انتشار نشریه کنگره

- شماره ۴ - ۲۰ اوت
- شماره ۵ - ۲۷ اوت
- شماره ۶ - ۳ سپتامبر
- شماره ۷ - ۱۰ سپتامبر
- شماره ۸ - ۱۷ سپتامبر

این کنگره متعلق به شما است

خالد حاج محمدی کنگره چهارم حزب حکمتیست در راه است. اکنون دو سال و نیم از کنگره سوم حزب گذشته است. در این فاصله اتفاقات مهمی چه در سطح جهان و چه در فضای سیاسی ایران رخ داد که هر کدام در سطح خود حائز اهمیت بودند. اما یکسال گذشته شاهد تحولات عظیمی در فضای سیاسی ایران بودیم که رنگ خود را بر کل فضای اعتراضی و توازن قوای میان رژیم و طبقه کارگر و مردم ناراضی زد. صف بندی احزاب و نیروهای سیاسی در هیچ دوره ای از عمر جمهوری اسلامی به اندازه تحولات دو سال گذشته و با چنین سرعتی تغییر نکرده است. در پروسه انتخابات ریاست جمهوری، جدال جناحهای بورژوازی ایران بر سر تقسیم قدرت اقتصادی و سیاسی، بالک عظیم اپوزیسیون سرنگونی طلب ایران را زیر پرچم جنبش سبز برد.

قبل از انتخابات شاهد حمله

صفحه ۵

توجه کنید: اطلاعات مربوط به انتقال به محل کنگره تدقیق شده است

صفحه ۴

قرارها و قطعنامه های پیشنهادی به کنگره

قرار شماره ۱: در باره حمایت از مبارزات آزادیخواهانه و برابری طلبانه در دانشگاه ها

قرار شماره ۲: درباره لغو قراردادهای موقت و سفید امضا

قرار شماره ۳: در مورد مطالبه بیمه بیکاری

قرار شماره ۴: در حمایت از مطالبات مندرج در "منشور مطالبات حداقلی کارگران ایران"

قرار شماره ۵: در تأیید سیاستهای رهبری حزب حول "انتخابات" ۲۲ خرداد ۸۸ و تحولات بعد از آن

قطعنامه شماره ۱: در مورد "اتحاد کارگری علیه بیکاری"

صفحات ۷، ۸ و ۹

کنگره چهارم و میهمانان آن

آذر مدرسی

کنگره چهارم حزب در راه است. این کنگره علنی است و رهبری حزب رسماً از همه احزاب و سازمانها، شخصیتهای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، مستقل از دوری یا نزدیکی سیاسی آنها با سیاستهای حزب، جهت شرکت در کنگره دعوت کرده است. ما هیچ فیلتری برای دعوت نگذاشته ایم. دلیل این کار روشن است. ما از قالب دعوت به کنگره

صفحه ۴

اوضاع سیاسی و موقعیت حزب

خطوط بحث

ثریا شهبایی

مقدمه

ضرورت بحث در مورد اوضاع سیاسی، از نیاز ما به تبیین تازه تر از استراتژی حزب، سیاست های تاکتیکی و ملزومات سیاسی کار نقشه مند حزب، استخراج شده است. من از سر این نیاز، یعنی تدقیق استراتژی و سیاست های تاکتیکی حزب، ناچار شدم که بر روی اوضاع سیاسی ایران بعنوان زمینه مادی تعیین استراتژی و سیاست های تاکتیکی حزب، تمرکز کنم. انتظار می رود که این بحث، همفکری در مورد محتوای آن، تدقیق و تصحیح آن، بتواند ماتریال لازم برای تدوین و تدقیق سیاست های این دوره حزب را فراهم کند.

سوال این است که استراتژی ما کجای تاریخ معاصر است. این نمی تواند پدیده ای ایرانی، محلی باشد. فقط با فاکتور ایران تعیین نمی شود، سرنخ ها را منصور حکمت بدست داده است، با این وجود ما باید خود پاسخ های امروز را بدست آوریم.

اوضاع سیاسی ایران، هم فاکتورهای داخلی و هم بین المللی، فاکتور تعیین کننده، و پیش درآمد تعیین استراتژی و سیاست های تاکتیکی برای هر حزبی است که بخواهد در ایران منشا اثری باشد.

هیچ استراتژی مستقل از اوضاع سیاسی، اوضاع اقتصادی و اجتماعی روز خود، اگر بخواهد احکام عمومی و اعلام تعلق ایدئولوژیک نباشد، تعیین نمی شود. به این اعتبار همفکری بر روی شرایط و داده های مادی فعالیت سیاسی، یعنی بحث اوضاع سیاسی (در سطح ماکرو)، به

صفحه ۲

فرم های مربوط به
کنگره

فرم ج

صفحه ۶

فرم های مربوط به
کنگره

فرم ب

صفحه ۶

فرم های مربوط به
کنگره

فرم الف

صفحه ۶

اعتقاد من پیش شرط تعیین هر استراتژی برای حزب، است. در این راستا لازم است در مورد مولفه ها و سوال های زیر بحث کرد.

1- رابطه استراتژی و اوضاع سیاسی روز

فاکتور بین المللی، اوضاع جهانی؛ انقلاب کارگری، استراتژی هر حزب کمونیستی، در تمام طول تاریخ کمونیسم پرولتری و کمونیسم مارکس است. این استراتژی اما در دورانهای مختلف ویژگی های مختلفی دارد و تحت تاثیر مسائل دوران خود است. انقلاب کارگری در چه مقطعی از تاریخ، پس از تجربه کمون، انقلاب کارگری زمان مارکس و دوران تولد و عروج بورژوازی و گورکن آن پرولتاریا، انقلاب کارگری عصر امپریالیسم و جنگهای امپریالیستی و انقلابات پرولتری عصر لینن، انقلاب کارگری پس از شوروی و دوران جنگ سرد و در دوران جهان دو قطبی، انقلاب کارگری پس از فروپاشی اردوگاه شرق و دیوار برلین، دوران پیروزی اقتصاد بازار و نظم نوین جهانی و ...

یک استراتژی پرولتری از نظر تئوریک و پراتیک انقلابی، نمی تواند مهر دوران خود را چهره نداشته باشد. جایگاه دوران در تعیین استراتژی انقلاب کارگری، غیر قابل انکار است و تدوین تئوری "جهان ما" یا "دوره ما"، از ملزومات دستیابی به یک تئوری انقلابی برای هر انقلاب کارگری است. مثلاً عصر امپریالیسم و انقلابات کارگری، عصر امپریالیسم و جنگ های پایان جهان دو قطبی و دوره نظم نوین جهانی و ... امروز دوران ما!

سوال این است که مشخصات دوران ما چی است؟ بقول منصور حکمت "برای هر ناظر هوشیار مسلم بود که دنیای پس از جنگ سرد مملو از تقابل ها و تنش های جدی اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیکی خواهد بود". سوال این است که این تقابل ها و تنش ها و ... کدام ها است؟ و یک سیاست فعال کمونیستی برای یک انقلاب کارگری در دنیای امروز، در جهان و در ایران، نیازمند پیشروی در چه سنگراهی است؟ و مناسب ترین شرایط برای پیشروی طبقه کارگر چی است؟

به اعتقاد من دوران ما، را میتوان با مولفه های زیر تعریف کرد،

بسیاری از این مولفه ها به مناسبت های مختلف مورد اشاره منصور حکمت هم قرار گرفته است:

الف: دوران اغتشاش و سرباز کردن تناقضات در غرب و در بلوک پیروز در جنگ سرد است. دوره بن بست اقتصاد بازار آزاد و تمام روبنای سیاسی، ایدئولوژیک، فکری و فرهنگی آن است. روبنایی که اساسا در تقابل با قطب مقابل، شرق و شوروی، شکل گرفته بود. دوران آشفتگی، بن بست ایدئولوژیک، مبریمت تجدید سازمان سیاسی جامعه، یافتن الگوهای جدید اقتصاد توسعه، و تجدید سازمان اقتصادی - سیاسی جهان است. تحولاتی که مهر خود را بر اقتصاد و سیاست در جهان، در کشورهای متروپل و کشورهای "جهان سوم" میزند. کانون این تحولات امروز به خود غرب منتقل شده است.

ب: دوران پسا "پایان جنگ سرد" و "نظم نوین جهانی" و خاتمه "پایان کمونیسم" و "پایان تاریخ" است. دکترین نظم نوین جهانی همراه متفکرینش برای خود تئورین های غرب هم به بایگانی سپرده شده است. دوران رجوع به مارکس است، حتی اگر در محیط های آکادمیک باشد.

ب: دوران پسا مشروعیت بازار و دمکراسی است. پسا بوشیسم و تاجریسم و نسخه های نجات بخش سیاست خصوصی سازیها و سپردن مقتضیات اقتصاد اساسا به قوانین بازار داخلی، است. تاکید کنم که خصوصی سازیها نه بعنوان سیاست مقطعی این و آن دولت در مقابله با بحران بلکه بعنوان دکترین های ناچای بورژوازی در شرایط بحران، که اساسا در مقابل ناتوانی سرمایه دولتی مکان ویژه ای یافته بود. تاجریسم و ریگانیسم حتی بعنوان ترندهای ماندگار تر در سیاست های بورژوازی بایگانی شده اند. این الگوها حتی بعنوان دکترین های ماندگاری چون مکاریسم به ترند های پایداری در سیاست بورژوازی جهانی تبدیل نشدند.

پ: دوران دو قطبی "دمکراسی و دول توتالیتر"، نسخه های نجات بخش "رژیم چیننج" به زور میلیتاریسم و برتری اقتصاد بازار در مقابل اقتصاد دولتی، به پایان رسیده است. این به معنی منتفی شدن امکان این و آن سیاست میلیتاریستی و این و آن عمل ایدئالی نظامی در جغرافیاهای حاشیه ای تر و یا حیط خلوت های سنتی غرب نیست. بلکه این

تقابل بعنوان یک ترند اصلی در سیاست های بورژوازی غرب، به بن بست رسیده است.

پ: معضلات دوران جنگ سرد، به جز خاورمیانه، از نظر هضم بلوک شرق در غرب تماما حل شده است. به یک بیان مسئله شرق و غرب در اروپا پایان یافته است. تعدادی از کشورهای اصلی اروپای شرقی امروز بعنوان اعضا اتحادیه اروپا پذیرفته شده اند، و در مقابل پیوستن سایر کشورها هم هیچ معضل ایدئولوژیک و سیاسی جدی وجود ندارد. تنها خاورمیانه، این بازمانده معضل حل نشده بعد از جنگ سرد، مانده است که اهمیت سابق خود را ندارد، و امروز "روی دست" غرب مانده است. وجود اسرائیل، که بدون حمایت غرب قادر به بقا نیست، و مسئله فلسطین و ناسیونالیسم عرب که امروز حماس نماینده میلیتانت آن است، مانع دست شستن کامل غرب از خاورمیانه و رها کردن آن به حال خود، بعنوان یک منطقه حاشیه ای پرتنش است.

در خاورمیانه، بعلاوه و با فاصله زیادی، مسئله ایران، هم به دلیل بحران عمیق سیاسی حکومت، خطر عروج یک تحریک انقلابی، چپ و کارگری در سیر سرنوشتی رژیم، باز بودن مسئله نوع حکومت بعدی و قدرت سیاسی پس از جمهوری اسلامی، و هم به خاطر استفاده حکومت ایران از مسئله فلسطین و مزاحمت هایش برای غرب، مسئله خاورمیانه و سرنوشت آن را در هاله ای از ابهام باقی گذاشته است.

ت: دوران پس از ۱۱ سپتامبر، پایان عراق و افغانستان بعنوان حیط خلوت های بورژوازی غرب برای سرپوش گذاشتن بر معضلات پایه ای خود پس از پایان جنگ سرد و "حل" تناقضات بورژوازی غرب و اقتصاد بازار آزاد، است. خروج کم دردر از این دو منطقه سیاست دوفاکتو غرب است. دوران پسا "جنگ تروریست ها" (جنگ اسلام سیاسی و تروریسم دولتی غرب) است. دوران پس از اشغال عراق و آغاز خروج از عراق و افغانستان و سازش غرب با اسلام سیاسی است.

ت: بحران سرمایه و ناتوانی دول غربی در "مدیریت بحران"، رابطه دولت با مردم و طبقه کارگر، و با خود بورژوازی درغرب، را شکننده و پرتنش کرده است. مشروعیت دول غربی در کنترل

تمام و کمال اوضاع و فراهم کردن مناسب ترین شرایط برای تجدید سازمان تولید، "به موثرترین" و "کم هزینه ترین" شیوه برای بورژوازی، زیر سوال رفته است. در غرب، دوران تنش های سیاسی، اعصابیات، اعتراضات، شورش و تقابل های ایدئولوژیک، در اعتراض به سیاست های دول غربی در "مدیریت بحران" و تعرض به معیشت مردم و طبقه کارگر و بیکارسازیهای وسیع، است. ابزارهای سنتی بورژوازی غرب در اداره اقتصاد جامعه، تماما به بن بست رسیده است. نیاز بورژوازی به ابزارها و مدل های جدید "کنترل بحران"، و سازماندهی دول و احزاب جدید، دول غربی و بورژوازی غرب را دچار روزمرگی و پراگماتیسم در سیاست های حتی ماکرو کرده است.

ث: برای غرب تنها نسخه نجات بخش فی الحال موجود اقتصادی و راه خروج از بحران، نه خصوصی سازی و تاجریسم و ریگانیسم، که از یک طرف عقب راندن سطح و استاندار کار و زندگی طبقه کارگر در غرب و رساندن آن به سطح معیشت و زندگی طبقه کارگر در چین، به ضرب و زور دولت و سرکوب دولتی است. و از طرف دیگر امکان جلب سرمایه چین برای استفاده از نیروی کار غربی، برای سازماندهی از نقطه نظر منافع بورژوازی موثرتر و سودآور تر تولید در غرب است.

عقب راندن طبقه کارگر بریتانیا و فرانسه به موقعیت طبقه کارگر در چین اگر غیر ممکن نباشد، بسیار سخت است. برای تحمیل شرایط طبقه کارگر چین به کارگر اروپایی و آمریکایی، کاری چون تحمیل یک "انقلاب اسلامی" و عقب گردی به مراتب عظیم تر از آن، لازم است. امری که تقریباً غیرممکن است.

دوران تحرک طبقه کارگر و یافتن آلترناتیوی برای اتحادیه های موجودی است، که دور قبل تاجریسم و ریگانیسم دست شان را از سیاست جامعه قطع کرد. در مقابل طبقه کارگر در غرب که دور قبل عقب نشینی های عظیمی به آن تحمیل شد، راه حل های دیگر، اشکال رادیکال تر تشکیل و اعتراض قرار میگیرد. اگر نیروی کمونیستی در غرب با حداقلی از نفوذ، در کشورهای چون انگلیس و فرانسه و آلمان بود، امروز میتوانست از این شرایط بیشترین استفاده را برای





اتحاد و تشکل طبقه کارگر و به میدان آوردن آن در ابعاد دیگری نقش بازی کند. در غیاب چنین نیرویی، مناسب ترین شرایط مجدداً برای احزاب سوسیال دمکرات و "لیبر" برای چرخش و اتخاذ سیاست های "رادیکال تر" و عطف توجه به اتحادیه های موجود برای مهار اعتراضات طبقه کارگر، فراهم خواهد شد. طبقه کارگر در غرب نیازمند احزاب سیاسی برای مقابله با شرایط بحرانی جاری است و در فقدان وجود این احزاب، شرایط برای چرخش به "چپ" احزاب سوسیال دمکرات بیش از پیش فراهم است.

ح: دوران قبول غرب برای دخالت دادن و سهیم کردن شرکای جدید، چین و هند و روسیه، و در حاشیه اسلام سیاسی، در تقسیم جهان است. این روند آغاز شده است. روندی که در سیر خود سازش ها و تخاصمات و تقابلات و تنش ها و پیچیدگی هایی غیر قابل پیش بینی خواهد داشت. که وظیفه ما نه پیش بینی آنها، که تشخیص روندهای آن است. قدرت اقتصادی چین هنوز قادر به تصرف سیطره سیاسی و ایدئولوژیک غرب نیست. رونمای سیاسی و فرهنگی جهان تماماً در اختیار غرب، به رهبری آمریکا است و این رونمای امروز در بن بست و آشفتگی است. برتری اقتصادی چین در مقابل سیطره کامل سیاسی و فرهنگی ایدئولوژیک غرب بر جهان سرمایه، شکافی عمیق در میان قطب های اصلی سرمایه در جهان ایجاد کرده است و تناقضات و رقابت در صفوف بورژوازی جهانی را پیچیده تر میکنند. شکاف و تقابلی که شکاف در رونمای نظام در شوروی و غرب در مقابل آن، همچون قطره ای در مقابل دریا است. در آستانه هیچکدام از دو جنگ جهانی، شکاف در رونمای نظام اقتصادی جامعه، چنین ابعدی نداشت.

چ: از نظر فرهنگی و روینمای ایدئولوژیکی دوران پسا "پست مدرنیسم" است. "پست مدرنیسم" تئوری است که امروز توسط خود آکادمیسین های غربی با ریشخند بدرقه میشود. معلوم شده است که دنیای واقعی، دنیای ابژکتیو و مادی و دنیای طبقات و تقابلات طبقات است. معلوم شد که بحرانی که مارکس آن را بعنوان پدیده ذاتی سرمایه، کشف کرده بود، واقعی است و آنچه که ذهنی و توهم است، انواع تئوریهای

بورژوازی است که تلاش کرد پایان شوروی را "پایان تاریخ" و پایان توان انسان در درک و فهم جهان معاصر و تشخیص درست و نادرست، قلمداد کند.

ح: دوران اغتشاش، سردرگمی، استیصال بورژوازی و ظغیان بردگان مدرن، طبقه کارگر و مردم است. اما نه فقط در کشورهای "جهان سوم" که در خود کشورهای متروپول. دوران سرباز کردن تناقضات پایه ای غرب در خود غرب و منتقل شدنش به اروپا و آمریکا است. بحران اقتصادی این روند را تشدید میکند. نه فقط طبقه کارگر و مردم در غرب که بورژوازی غرب به دولتهای خود در یافتن راه برون رفت از بن بست بی اعتماد است.

خ: شرایط برای عروج کمونیسم بار دیگر فراهم است. اما شکاف تاریخی بین کمونیسم و طبقه کارگر، بطور واقعی این امکان را فقط در حد امکان باقی میگذارد. ایران، این جغرافیای "حاشیه ای" (حاشیه ای از نقطه نظر مکان آن در تولید و بازتولید سرمایه جهانی و حاشیه ای از نقطه نظر ناتوانی بورژوازی آن در دخالت در حل تناقضات درونی سرمایه)، وجود طبقه کارگری در ایران که تجربه به میدان آمدن در انقلاب 57 را دارد، اعتبار چپ و کمونیسم، و وجود حزب کمونیستی چون حزب ما، فاکتوری است که میتواند این امکان را در ایران به واقعیت تبدیل کند.

فاکتور داخلی: اوضاع داخلی ایران

بقول منصور حکمت، سیاست در ایران از این تحولات بشدت تاثیر میپذیرد. سوال این است که جایگاه ایران در "جهان امروز" ما چی است؟

به اعتقاد من حکومت ایران یک قطب آن سازشی در صفوف بورژوازی است که در این شرایط غرب در دستورش گذاشته است. ایران در سیاست سازش غرب با اسلام سیاسی در خاورمیانه، جایگاه کلیدی دارد. نشانه های آن را پیش از عروج جنبش اصلاح رژیم، جنبش سبز، می شد دید. عروج اوپاما و پیام نوزی و تبریک طرفین و عروج سبز محصول مستقیم این سیاست است. ایران رسماً برای عضویت در تولید و باز تولید سرمایه دارانه جهانی و پیوستن به بازار جهانی بعنوان پارتنر بی دردسر، دعوت شد. دعوی سبز و سیاه دعوا بر سر چگونگی این پیوستن بود و

هست. سازش جمهوری اسلامی و غرب، امر ساده و بسهولت قابل دسترسی برای بورژوازی نیست. پیچیدگی مسئله اساساً به خاطر فاکتور داخلی، رابطه مردم با حکومت، و خطر سرنگونی رژیم توسط مردم است. جمهوری اسلامی به شکلی که هست، قادر به هضم در اقتصاد جهانی بعنوان یک شریک پایدار و بی مشکل، نیست.

در ایران فاکتور نفرت عمومی مردم و بحران سیاسی و اقتصادی و جنبش سرنگونی یک داده عمیق است. این فاکتور دعوی بخش های مختلف بورژوازی برای سازش با غرب را به یک انفجار اجتماعی تبدیل کرد و میتواند باز هم تبدیل کند. عروج سبز به شکلی که عروج کرد، بر متن این واقعیت بود.

ضرورت تغییر جمهوری اسلامی برای سازش با غرب و تبدیل شدن به یک عضو "معقول" و "بی دردسر" بورژوازی جهانی، یا "جامعه جهانی"، علاوه بر بحران سیاسی و اقتصادی رژیم، جنبش اسلام سیاسی که جمهوری اسلامی در راس آن است را به یک بن بست عمیق ایدئولوژیک دچار کرد. یک خصلت تخاصم جناحهای رژیم در این مقطع، از طرف هر دو جناح تعرض بی مهابا به تمام آرمانهای انقلاب اسلامی و "دستاورهای" سی ساله جنبش اسلام سیاسی است، به منظور تجدید آرایش سیاسی - ایدئولوژیک در صفوف جنبش اسلامی. تلاش برای تبدیل کردن جنبش اسلامی به پرچم سیاسی و استراتژیکی (ونه تاکتیکی) ناسیونالیسم ایرانی، محصول این بن بست ایدئولوژیک است.

تحولات جهانی، پایان جنگ تروریست ها، پایان جنگ سرد و خصلت ایزاری اسلام سیاسی و ویژگی کمونیست ستیزی آن، اسلام سیاسی را هم بعنوان یک جنبش از نظر ایدئولوژیک و سیاسی به بن بست رساند و بی خاصیت کرد. تاکید کتم حماس نه بر پان اسلامیت و مذهب که اساساً بعنوان یک جریان مذهبی بر ناسیونالیسم عرب در مسئله فلسطین تکیه زده است. جمهوری اسلامی، هر دو جناح تلاش میکنند که بعنوان سخنگویان استراتژیکی، و نه تاکتیکی ناسیونالیسم ایرانی، خود را در صحنه نگاه دارند. موقعیتی که در اسلامیت رژیم از درون شکافی عمیق ایجاد کرده است.

مسئله اتمی، تحریم و دامن زدن به فضای جنگی، ادامه جنگ

غرب با اسلام سیاسی نیست، بلکه سیاستی در راستای سازش و کنار آمدن و پیدا کردن نقطه تعادل و توازن قدرتی است بین غرب و جنبش اسلام سیاسی. بعنوان یک نمونه غرب و آمریکا حتی امکان مذاکره با طالبان را بررسی میکند و در این مورد کمترین مشکل ایدئولوژیکی ندارد.

جمهوری اسلامی، جناح حاکم، در این شرایط تلاش میکند که با گرفتن بیشترین امتیاز، و در موقعیتی برای جنبش اسلام سیاسی قابل قبول تر، به کمپ بورژوازی جهانی بپیوندد، به این امید که سرمایه جهانی اقتصاد ایران را نجات دهد. در حالیکه توسعه اقتصاد ایران و صدور سرمایه به ایران و استفاده از بازار ارزان کار در ایران، امروز با توجه به بازار کار اروپای شرقی، برای غرب آخرین اولویت است. جناح اصلاح طلب، سبز تلاش میکند با تحمیل تغییرات و رفرمهایی به حکومت، خود را بعنوان آلترناتیو از نظر روینمایی مقبول تر غرب، تحمیل کند. این وضعیت موقعیت رژیم را از درون بشدت در معرض تلاشی قرار میدهد.

جمهوری اسلامی بعلاوه تلاش میکند که با دامن زدن به تخاصم با غرب، بحران حکومتی خود را خطر تعرض مردم برای سرنگون کردن آن را، تخفیف دهد. از این زاویه تداوم وضع موجود، یعنی حفظ خصومت با غرب، نه از نقطه نظر اقتصادی که از نقطه نظر سیاسی و کمک به عمر جمهوری اسلامی، برای رژیم مفید است.

اقتصاد بحران زده ایران، با تحریم اقتصادی و بیکاری وسیع طبقه کارگر، فقر و فلاکتی عنان گسیخته را بر اکثر مردم و طبقه کارگر، تحمیل کرده است. هیولای بیکاری نه تنها گریبان تنها طبقه کارگر که بخش عظیمی از جوانان فارغ التحصل دانشگاهی را هم میفشارد.

جامعه ایران تحت فشار اعتراض و نفرت عمومی مردم از جمهوری اسلامی و فقر و فلاکت و بیکاری طبقه کارگر، در آستانه انفجارهای اعتراضی است. جمهوری اسلامی در بحرانی ترین، آشفته ترین و پرتشتت ترین شرایط بسر میبرد. اگر یک حزب سیاسی کمونیستی امروز با درجه نفوذ معینی در جامعه که بتواند اعتراضات مردم را رهبری و به پیروزی برساند، وجود داشت، جمهوری اسلامی را میشد سرنگون کرد.



انتقال به محل کنگره

لطفا به نکات زیر توجه کنید:

- ۱- محل، تاریخ و ساعات تحویل گرفتن شما برای شرکت در کنگره به شرح زیر است: روز جمعه ۲۴ سپتامبر استکهلم: ساعت ۱۵ و ۱۷ ایستگاه مرکزی قطار شهر یوتبری: ساعت ۱۵ و ۱۷ فرودگاه save اسلو: ساعت ۱۵ و ۱۷ ایستگاه مرکزی قطار شهر مالمو: ساعت ۱۵ و ۱۷ ایستگاه مرکزی قطار شهر کپنهاگ: ساعت ۱۵ و ۱۷ ایستگاه مرکزی قطار شهر
 - نماینده ما علامتی با نام 4 Tours را در دست خواهد داشت تا شما او را بشناسید.
 - ۲- لطفا دقت کنید که خارج از تاریخ و ساعات فوق ما مطلقاً قادر به تحویل گرفتن شما در هیچ شهر و آدرسی نخواهیم بود. در صورتیکه خودتان را به یکی از این قرار ها نرسانید کنگره را از دست خواهید داد.
 - ۳- اگر ساعتی به محل قرار رسیدید که منطبق با ساعت های فوق نبود لطفا خودتان را سرگرم کنید و سر یکی از این ساعت ها به محل قرار بیایید.
 - ۴- هیچکس اجازه نخواهد داشت که مستقیماً به محل کنگره بیاید. و آدرس محل کنگره و یا خوابگاه را به هیچ عنوان به هیچ کس نخواهیم داد.
 - ۵- از همه نمایندگان می‌خواهیم زمان و نحوه سفر خود را با مسئولین واحدهای حزب در خارج کشور تنظیم کنند تا انتقال سریعتر صورت گیرد.
 - ۶- لطفا سعی کنید یکی دو ساعت قبل از رسیدن تلفنی ما را از ساعت رسیدن‌تان مطلع کنید. تلفن تماس در شهرهای مختلف را متعاقباً به اطلاعاتان میرسانیم.
- به امید دیدار
آذر مدرسی

۹- باید فعالانه به دفاع از سکولاریسم در ایران، دفاع از حقوق زن، حقوق جوانان، و آزادی تشکل های کارگری در ایران و سایر کشورهای منطقه پرداخت، و خواهان وسیع ترین آزادیهای سیاسی، فضای باز سیاسی، و فعالیت آژانه سیاسی در ایران بود.

۱۰- باید علیه فلاکت و فقر و تعرض به سطح معیشت طبقه کارگر، بود و پلاتفرم دوره ای مبارزات کارگری در این عرصه را تدوین و طبقه کارگر را حول آن متشکل کرد.

۱۱- و بلاخره حزب لازم است در این راستا، پلاتفرمهای دخالت در این عرصه ها، نحوه سازماندهی و پیشروی در هریک از این عرصه ها و اولویت های خود را تدوین کرد.

و امیرنشین های ریز و درشت سر کار نمی‌مانند. بدون حمایت غرب نه فقط طالبان، بلکه دستجات قبلی مجاهدین مسلمان، نمیتوانستند افغانستان را به صحنه یک تراژدی انسانی عظیم تبدیل کنند. همین امروز نیز در صورت قطع این حمایت سیاسی و نظامی و دیپلماتیک غرب از دول و جنبشهای ارتجاعی در خاورمیانه، مردم منطقه بسرعت این حکومتها را بزیر میکشند.

۸- باید علیه سازش غرب و اسلام سیاسی که عمر این نکتت را بر سر مردم ایران زیاد میکند، خواست سرنگونی جمهوری اسلامی و جلوگیری از بند و بست آمریکا و دولتهای غربی با ایران و اسرائیل و سایر دول مرتجع در خاورمیانه، باید یک جزء مهم دیگر در پلاتفرم جنبش ما باشد.

خود را داشته باشند. باید آمریکا و دولتهای غربی را ناگزیر کرد از حمایت یکجانبه خود از اسرائیل دست بردارند. باید اسرائیل را وادار کنند صلح و استقلال فلسطین را بپذیرد. حل مساله فلسطین مهم ترین رکن و جزء اصلی یک دستور کار پیشرو و فعال در قبال اوضاع کنونی است.

۶- نیروهای نظامی غرب و کشورهای منطقه، از جمله ایران، باید از عراق خارج شوند.

۷- غرب باید از حمایت ارتجاعی اش از دولتهای واپسگرا در خاورمیانه، دست بردارد.

بقول منصور حکمت، بدون حمایت غرب رژیم اسلامی ایران سرکار نیامد و سر کار نمی‌ماند. بدون حمایت غرب نظامهای برده داری و شیوخ متفرقه در عربستان

بقیه کنگره و

کشور، مجاهدین، طیف اکثریت، لیبرالها، و سلطنت طلبان و نهادها و شخصیتهای مختلف وسیعاً دعوت کرده ایم در این کنگره میهمان ما باشند.

رویداد های سیاسی یکسال گذشته که در ایران صفتی سیاسی جامعه را تماماً دستخوش تحولاتی جدی کرد. با قطعیت میتوان ادعا کرد که حزب حکمتیست تنها حزب سیاسی ایران بود که راه خود را از همان روز اول از جنبشی که متعاقب انتخابات رئیس جمهوری شکل گرفت و تمام

دوری و نزدیکی خود به احزاب، جرایانات و اشخاص را نشان نمیدهیم. هرگونه فیلتری در این زمینه جز سوتفاهم و تعیین دوست و مخالف نیست. دعوت به کنگره جای نشان دادن این دور و نزدیکی ها نیست. این دعوت در عین حال قرار نیست فاصله سیاسی ای میان ما و مدعوین را پر کند. ما از همه سازمانهای چپ، سازمانهای کارگری در خارج

سرنگونی جمهوری اسلامی، پیش شرط هر نوع تحول جدی در زندگی سیاسی، فرهنگی و اقتصادی مردم، طبقه کارگر، زنان، جوانان و کارکنان جامعه است. در این شرایط هر سازمان و حزبی که بخواهد در صحنه سیاست جامعه نقشی بازی کند و از جمله حزب ما، باید سخنگوی این اعتراض و تحرک باشد.

بی تردید برای فراهم کردن مناسب ترین شرایط برای پیشروی طبقه کارگر ایران، ایجاد اتحاد در صفوف آن، جلب حمایت بین المللی، سازماندهی و به میدان آوردن طبقه کارگر، باید از تشتت، بن بست، و اغتشاش در صفوف بورژوازی بیشترین بهره‌برداری را کرد و با قاطعیت عواقب زیانبار جدال در صفوف بورژوازی، بحران اقتصادی، فضای جنگی، اختناق، دیپلماسی بین دول مرتجع، را خنثی و به حداقل رساند.

در این شرایط رئوس یک سیاست کمونیستی چه باید باشد. دستور کار یک دخالت بر مبنای یک دستور کار فعال و اثباتی چیست؟

به اعتقاد من رئوس کلی یک سیاست کمونیستی میتواند از این قرار باشد:

۱- لازم است این روندها و واقعیات سیاسی را از زیر آوار تبلیغات مسئله اتمی و تحریم و دامن زدن به فضای جنگی بیرون بکشیم.

۲- تاکید بر ضرورت دخالت توده وسیع مردم، هم در اروپا و آمریکا و هم در خاورمیانه و در کشورهای به اصطلاح جهان سوم، در روندهای سیاسی که در پس این رویدادها قرار دارد.

۳- کمپین اتمی و تحریم ایران و دامن زدن به فضای جنگی، بر سر تجدید تعریف رابطه غرب با اسلام سیاسی و در راس آن ایران است. ما باید این چهارچوب و این سازش جدید را بشکنیم و سیاست مستقل خود را برای خلاصی منطقه از این نیروی ارتجاعی را در این شرایط جدید فعالانه تر دنبال کنیم.

۴- به تحریم اقتصادی ایران باید بلافاصله پایان داد. ما علیه هر تعرض نظامی به ایران و تحریم اقتصادی آن هستیم.

۵- مساله فلسطین، این معضل تاریخی باید بلافاصله حل بشود. مردم فلسطین باید کشور مستقل

در کنگره حزب حکمتیست شرکت کنید

بقیه این کنگره ...

این وضعیت و نقش حزب ما و سیاست شفاف و متمایزش در دوره قبل، موقعیت ویژه ای به این حزب داده است. موقعیتی که به موازات آن به انتظارات و توقعاتی از حزب حکمتیست، در میان طیفی از کارگران، زنان و جوانان تشنه آزادی و برابری، دامن زده است. امروز این حزب، کوچک یا بزرگ، و در هر ابعاد تشکیلاتی و اجتماعی که باشد، بیش از هر زمانی به تنها امید، سنگر و تکیه گاه صفتی تبدیل شده است که نمیخواهد امید به رهائی را از دست بدهد، صفتی که نمیخواهد آرزوهای انسانی نسلی از مردم کارکن جامعه را زیر سایه جنگ و جدال بخشهای مختلف بورژوازی و البته در حمایت کمونیسم بورژوازی و به نام "انقلاب" و "خیزش توده ای" و "دمکراسی خواهی" و ..، دفن کند.

کنگره چهارم حزب حکمتیست به عنوان عالیترین مرجع حزبی در این فضا و با این تحولات برگزار میشود، و تلاش میکند که در پاسخ به این نیاز قدمهای مهمی بردارد. به این اعتبار کنگره چهارم حزب، امروز دیگر نه تنها به فعالین حزب حکمتیست، که به کل آن صفتی تعلق دارد که به حقانیت سیاست های این حزب پی برده است، به آن امید بسته است، و میخواهد از این ابزار برای تحقق آمال و آرزوهای انسانی اش، استفاده کند.

در این کنگره جای هزاران رهبر کارگری، زن و جوان برابری طلب خالی است، کسانی که فضای پلیسی و اختناق حاکم، دست آنها را از دخالت مستقیم و علنی در حیات حزب شان کوتاه کرده است. اما علنیت کنگره و نشریه کنگره، انتشار مباحث پیشنهادی نمایندگان، صاحب نظران، و رهبری حزب، فاکتوری است که میتواند فضای اختناق را بشکند و دروازه کنگره را بر روی همه کس و بخصوص بر روی آن صفت، باز کند.

در این تردیدی نیست که تحولات دوره گذشته، عقب گردی که به کل جامعه تحمیل کردند، تجربه کار و فعالیت و جدالهای بزرگی که ما در این حزب از سر گذرانیم، سوالات جدیدی را در مقابل ما قرار داده است. باید بازگشت و به کل این دوره نگاه کرد. باید سوالات و مشکلات واقعی که امروز مانع اتحاد طبقه کارگر و مانع ایجاد حزبی وسیع و توده ای است، موانعی که بر سر راه کمونیسم و انقلاب کارگری در این دوره معین است را با چشمان باز نگاه کرد. موانع را دید، محدودیت ها را برسمیت شناخت، راه حل و نقشه پیشروی را به دقت تدوین و تبیین کرد و در مقابل حزب و جنبش مان گذاشت. در این راستا دخالت همه کمونیستها در مباحثات کنگره، بی تردید راهگشا است. ارسال بحث و نظر و ملاحظات خود بر کل پراستیک این دوره، و بر مباحثات کنگره و دخالت در تلاش برای یافتن راه حل و نقشه برای پیشروی صفت مشترک ما، اهمیت بسزائی در فعالیت آتی کمونیستها، و در پیش روی صفت جنبش عدالتخواهی و برابری طلبی، در ایران دارد. حزب حکمتیست با آغوش باز از دخالت و حضور هر انسان آزادیخواهی در کنگره استقبال خواهد کرد.

سازمان یافته جمهوری اسلامی به جنبش آزادیخواهانه در ایران بودیم. پیش از انتخابات و عروج سبز (این اعتراض ارتجاعی)، اکنون تحولات مترقی و برابری طلبانه، دانشگاههای ایران بود و در راس آن تحرک دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب. با هر ارزیابی که از اتفاقات آن دوره داشته باشیم، آن جنبش پرچم برابری انسان، پرچم آزادیخواهی و عدالتخواهی را در فضای سیاست ایران بلند کرد و توجه کل جامعه را به خود جلب کرد. آن تحرک انسانی، آن اعتراض مترقی، مورد یورش خونین جمهوری اسلامی قرار گرفت و به عقب رانده شد. عروج جنبش سبز بر بستر سرکوب خونین صفت آزادیخواهی و سرکوب اعتراضات طبقه کارگر، زنان و جوانان، پیش از انتخابات، ممکن شد.

جنبش سبز و تحولات اخیر برخلاف تصورات رایج در میان حامیان راست و چپ آن، نه تنها موقعیت طبقه کارگر برای رسیدن به ابتدائی ترین مطالبات معیشتی خود را بهبود بخشید، نه تنها کمترین گشایش سیاسی برای زنان و جوانان به همراه نیاورد، بلکه کل فضای سیاسی را علیه عدالتخواهی کارگری، اعتراض و حق طلبی جنبش زنان و اعتراض نسل جوان و تلاش برای خلاصی فرهنگی عوض کرد و آن جنبشها را به حاشیه راند.

حزب حکمتیست و کمونیستهای طبقه کارگر در این فضا، تنها نیرویی بودند که در مقابل سیل تعرض بورژوازی برای استفاده از مردم علیه مردم، ایستاد و به خاطر دفاع از آزادی و برابری، دفاع از مطالبات مترقی و آزادیخواهانه مردم، و دفاع از انقلاب کارگری و کمونیسم طبقه کارگر، تحت شدیدترین فشار قرار گرفتند. در همین فضا است که جمهوری اسلامی برای محدود کردن فعالیت کمونیستها و امنیتی کردن فعالیت متشکل و تحزب کمونیستی، و به امید "منزوی" کردن تنها نیرویی که در مقابل هر دو بخش رژیم ایستاد، بخشی از رهبری حزب حکمتیست را در "لیست قرمز" اینترنتی قرار داد. به موازات حمله به حزب حکمتیست، و در بطن این تعرض، همه تشکلات کارگری به بهانه های مختلف زیر ضرب رفتند، رهبران و فعالین آنها سر از زندان در آوردند و اخراج و تهدید دائمی بخشی از زندگی آنها شد.

اکنون که به حکم واقعیات دنیای بیرون، فضای مه آلود و غبار گرفته عروج سبز کمی شفاف تر شده است و سرگیجه اغلب نیروهای اپوزیسیون، چپ و راست تا حدودی تخفیف پیدا کرده است، به راحتی میتوان همه صحنه های مهم این دوره و جدال و کشمکش دو صفت متمایز، دو جنبش متفاوت، جنبش سبز و صفت کمونیستهای طبقه کارگر را در دل این تحولات دید. اکنون به راحتی میتوان لطمات جنبش سبز به صفت اعتراض کارگران و زنان و جوانان برابری طلب را مشاهده کرد. امروز به راحتی میتوان کل سیاست دوره گذشته حزب حکمتیست و همه کمونیستهای که از موضع منفعت طبقه کارگر، و از زاویه دوستی عمیق نسبت به مردم آزادیخواه در مقابل سبز ایستادند را دید و به حقانیت آن پی برد.

زنده باد سوسیالیسم

زنده باد اتحاد طبقه کارگر

فرم الف**ویژه ثبت نام نمایندگان کنگره چهارم
حزب حکمتیست**

نام

حوزه انتخاباتی

کشوری که از آنجا عازم کنگره هستید

تلفن

ای میل

چه شب هائی خوابگاه میخواهید؟

جمعه شب

شنبه شب

هزینه را چه وقت و از چه طریق پرداخت میکنید؟

آیا برگ تسویه حساب حق عضویت را دریافت کرده اید؟

آیا این برگه را بدست ما رسانده اید؟ (بدون این برگه در کنگره حق رای نخواهید داشت)

آیا کودک همراه دارید؟ چند کودک

لطفا برای هر کودک فرم ثبت نام کودکان (فرم ج) را پر کنید و همراه این فرم بفرستید

روز ورود

ساعت ورود

محل ورود

وسیله ورود

فرم ب**ویژه ثبت نام میهمانان کنگره چهارم
حزب حکمتیست**

نام

کشوری که از آنجا عازم کنگره هستید

تلفن

ای میل

ورودی ۲۵ یورو

چه شب هائی خوابگاه میخواهید؟ (هر شب با سه وعده غذا

۳۲۵ کرون)

جمعه شب

شنبه شب

جمع هزینه (به یورو)

هزینه را چه وقت و از چه طریق پرداخت میکنید

مبلغ کسری پرداخت هزینه کنگره

در محل پرداخت میکنید؟

آیا کودک همراه دارید؟ چند کودک

لطفا برای هر کودک فرم ثبت نام کودکان (فرم ج) را پر

کنید و همراه این فرم بفرستید

روز ورود

ساعت ورود

محل ورود

وسیله ورود

فرم ج**ویژه ثبت نام کودکان همراه نمایندگان یا میهمانان کنگره چهارم حزب حکمتیست**

باید توسط سرپرست تکمیل شود

نام

جنس

سن

نام سرپرست

تلفن

ای میل

چه شب هائی خوابگاه میخواهد؟ (هر شب با سه وعده غذا ۲۰ یورو)

جمعه شب

شنبه شب

جمع هزینه (به یورو)

هزینه را چه وقت و از چه طریق پرداخت میکنید

مبلغ کسری پرداخت هزینه کنگره

در محل پرداخت میکنید؟

روز ورود

ساعت ورود

محل ورود

وسیله ورود

آیا داوطلب کمک به نگهداری از کودکان هستید؟

کارگران است. طبقه کارگر باید صف آگاه خود را در تمایز با این جنبش‌ها شکل دهد.

۶- مبارزه علیه قراردادهای موقت کار

یکی از بزرگترین مصاف‌های امروز طبقه کارگر قراردادهای موقت و سفید هستند. مبارزه طبقه کارگر باید تبدیل این قراردادهای موقت به قراردادهای دائمی و انعقاد قراردادهای دستجمعی از طریق تشکلهای کارگران باشد. طبقه کارگر به مبارزه‌ای همه‌جانبه و گسترده و با بسیج همه توان خود و حمایت همه مزدبگیران جامعه، کارگران شاغل و بیکار و کارگران افغانی بر علیه این شرایط بردگی نیاز دارد.

۷- مطالبات فوری

افزایش دستمزد ها، آزادی تشکل و اعتصاب، ممنوعیت قرارداد های موقت، تعطیلی اول ماه مه روز جهانی کارگر، بیمه بیکاری مکفی برای همه افراد بیکار زن و مرد بالای ۱۶ سال و حقوق برابر زن و مرد از این جمله اند.

۸- مقابله با پراکندگی کارگران کمونیست

کارگران سوسیالیست یک گرایش موجود در جنبش کارگری را نمایندگی میکنند. گرایش سوسیالیستی در جنبش کارگری میتواند و باید منشا تشکل طبقه کارگر باشد. رکن اصلی پا گرفتن جنبش مجامع عمومی، مقابله با حملات دستگاه‌های امنیتی رژیم اسلامی، افشای گرایش‌های بورژوازی در مبارزات طبقه کارگر و تغییر توازن قوای فعلی، تشکل و خودآگاهی این گرایش سوسیالیستی است. این گرایش باید بر پراکندگی خود فایق آمده و لولای اتحاد و تشکل مبارزات کارگری بشود.

۹- حزبیّت

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست کمک به اتحاد و تشکل این گرایش سوسیالیستی را وظیفه درجه اول خود میداند. حزب ما با نقد گرایش‌های بورژوازی- رفرمیستی در طبقه کارگر، با نقد آلترناتیوهای بورژوازی و نشان دادن راه پیشرفت جنبش کارگری در هر تک مبارزه اقتصادی و سیاسی جاری، تلاش میکند این گرایش را به نقد سوسیالیستی مسلح کرده و به تشکل آن کمک کند.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست تمامی کارگران آگاه و مبارز را به عضویت در صفوف خود فرا میخواند. این حزب مصمم است تا در پیشاپیش صفوف طبقه کارگر "آزادی، برابری، حکومت کارگری" را به پرچم مبارزه توده‌های میلیونی در مبارزه علیه جمهوری اسلامی و بنای جامعه نوین تبدیل کند.

کارفرمایان قرار میدهد و از آنجا که این مجامع به صنف‌ها و رشته‌های مختلف تولیدی محدود نمیشوند، امکان تشکل وسیع‌تر و پایدارتری را به طبقه کارگر در مبارزه خود علیه بورژوازی و دولت میدهد.

مجامع عمومی میتوانند امر اتحاد و همبستگی مبارزات کارگری را عملی سازند. با تشکل مجامع عمومی در هر فابریک و مرکز تولیدی، کارگران قادر به تصمیم جمعی برای سازماندهی هر نوع اعتراض خود هستند. مجامع عمومی سنگری میشوند که در آن کارگران در هر شکل و بهر مناسبتی قادر به فراخوان آن هستند، معضلات پلیسی را میتوانند دور بزنند و نیروی کارگران را از طریق انتقال تجربه و رابطه فعالین و رهبران در ارتباط با هم نگاه دارد. این فعالیتی مورد نیاز برای کارگران و لازمه هر نوع فعالیت تشکل و سازمانیافته است.

۳- تشکل های توده ای

ما همه کمونیستها و رهبران کارگری را فرا میخوانیم که برای ایجاد سازمانهای توده‌ای علنی در محل کار و زندگی خود مبارزه کنند. هر نوع سندیکا، اتحادیه، صندوق کارگری و انجمن‌هایی که کارگران اثرنا بنا میکنند، تشکلهای کارگری هستند که با همه وجود باید از آنها دفاع کرد.

۴- دفاع از تشکل های موجود

حکومت اسلامی در مقابله با مبارزه متشکل طبقه کارگر، تشکل‌های موجود کارگری و رهبران آنها را مورد حمله وحشیانه خود قرار داده است. دفاع سازمانیافته طبقه کارگر از تشکل‌های موجود و رهبران فعالین آن‌ها، مبارزه برای آزادی فوری و بی قید و شرط رهبران کارگری و آزادی تشکل و اعتصاب امر فوری و فوئی کنونی طبقه کارگر و رهبران عملی و کارگران کمونیست است.

۵- افشای گرایش‌های بورژوازی

جنبش کارگری تاریخا شاهد وجود گرایش‌های بورژوازی- رفرمیستی در صفوف خود بوده است. این احزاب و گرایش‌های سیاسی نمایندگان خود را در جنبش اعتراضی طبقه کارگر دارند. شاخه‌های مختلف کمونیسم بورژوازی در ایران که اساسا دنباله رو جنبش‌های سازمانیافته بورژوازی (برای مثال جنبش سبز در دوره اخیر) هستند از این جمله اند. این گرایش‌ها در تلاشند تا نیروی مبارزه طبقه کارگر را برای تقویت آلترناتیوهای بورژوازی حکومتی و یا خارج حکومت بسیج کنند. افشای این گرایش‌ها قدم مهمی در کسب آگاهی طبقاتی

قطعه‌نامه در مورد

”اتحاد کارگری علیه بیکاری“

علیه بیکاری است.

ج- به میدان آمدن جنبش وسیع اتحاد کارگری علیه بیکاری ضامن تحقق مطالبه ”کار یا بیمه بیکاری“ و تحمیل آن بر دولت سرمایه اسلامی است.

لذا:

حزب حکمتیست طبقه کارگر ایران، کارگران شاغل و بیکار و رهبران و پیشروان کمونیست طبقه کارگر و فعالین و دوستان خود را در جنبش کارگری به دامن زدن به سازمانیابی اتحاد کارگری علیه بیکاری فرا میخواند.

نمیکند.

۴- به هر درجه حربه بیکاری پس زده شود، گشایش جدی در شرایط کار و زندگی کارگران بیکار و شاغل و کل طبقه کارگر ایجاد میشود.

لذا:

کنگره چهارم حزب حکمتیست تاکید میکند:

الف- مبارزه علیه بیکاری امر مشترک و فوری کارگران شاغل و بیکار سراسر ایران است. مطالبه ”کار یا بیمه بیکاری“ جزو فوری ترین مطالبات کارگران است.

ب- سازمانیابی اتحاد کارگری علیه بیکاری به عنوان ظرف متحد کردن نیروی کارگران شاغل و بیکار از اقدامات موثر طبقه کارگر

۱- بیکاری به عنوان حربه بورژوازی زندگی میلیونها کارگر بیکار و خانواده‌های کارگری را در فقر و فلاکت و بی‌تامینی مطلق قرار داده است. به علاوه به عنوان عامل موثری در تحمیل زندگی زیر خط فقر بر کارگران شاغل نقش تعیین کننده دارد.

۲- حربه بیکاری بزرگترین شکاف و تفرقه و رقابت را بر طبقه کارگر ایران اعم از شاغل و بیکار، تحمیل کرده است.

۳- کابوس از دست دادن شغل، کارگران شاغل را اجبارا به بی تفاوتی نسبت به زندگی بخش مهمی از هم طبقه‌ایهای بیکار خود سوق داده و از سر ناچاری و تامین معیشت روزمره ”دست به کلاه خود گرفته“ و در مبارزه علیه بیکاری و تحقق مطالبه بیکاران شرکت

قرارها و قطعنامه های پیشنهادی به کنگره

توجه کنید:

- شرط بررسی قرار گرفتن یا نگرافتن قرارها و قطعنامه ها به شرح زیر است:
- الف - برای پیشنهاد قطعنامه اصلی و مرکب به کنگره پیش نویس باید به امضای یکی از کمیته های اصلی تشکیلات و یا یک پیشنهاد کننده و ۵ تن دیگر از نمایندگان رسیده باشد.
- ب - برای قطعنامه های ساده امضای یک کمیته اصلی و یا یک پیشنهاد کننده و ۳ نفر دیگر ضروری است.
- ج - برای قرارها امضای یک کمیته حزبی و یا دو نفر (یک پیشنهاد کننده و یک حمایت کننده) ضروری است.

قطعنامه شماره ۲

پیشنهاد دهنده: کمیته سازمانده
این قطعنامه حمایت لازم را دارد

موقعیت طبقه کارگر و وظایف کمونیست ها

- را به مشغله اصلی بسیاری از کارگران تبدیل کرده است.
- دولت به نمایندگی از طرف کل بورژوازی با تمام توان دستگاه امنیتی و جاسوسی خود فعالین و رهبران کارگری را دستگیر و زندان و اخراج میکند و از طریق شبکه شوراها و انجمن های اسلامی و خانه کارگر میکوشد تا شعارها و مطالبات و حرکات اعتراضی کارگری را که قابلیت بسیج سراسری را دارند، مسخ و مخدوش کند و در چهارچوب قانونی و امید بستن به جناح های متفاوت بورژوازی دولتی و غیردولتی مهار زند.
 - عوامل فوق در کنار ضعف خودآگاهی طبقاتی کارگران و عدم انسجام سیاسی و حزبی رهبران عملی، فعالین کارگری و کارگران کمونیست حول یک پرچم کمونیستی، طبقه کارگر ایران را به موقعیت دفاعی سختی انداخته است. همچنین این موقعیت توان طبقه کارگر را برای تعرض طبقاتی متحدانه و همه جانبه به بورژوازی چه برای بهبود سطح معیشت خود و چه نجات خود و کل جامعه از نکتب سرمایه داری، بشدت تضعیف و محدود کرده است.
- ازاینرو:
- کنگره چهارم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست توجه طبقه کارگر و بخصوص کارگران کمونیست را بر حساسیت شرایط امروز و لزوم مبارزه سازمان یافته از طریق اقدامات زیر برای تغییر توازن قوای کنونی به نفع مبارزه، اتحاد و تشکل طبقه کارگر، برای دفاع از زندگی خود و نجات کل جامعه از نکتب سرمایه داری و سرنگونی جمهوری اسلامی جلب میکند.
 - حزب همه کارگران کمونیست را به پیگیری اولویت های زیر فرا میخواند:
- ۱- اتحاد کارگران در مبارزات اقتصادی

مبارزه اقتصادی طبقه کارگر سنگ بنای اول آگاهی طبقه کارگر نسبت به خود بعنوان یک طبقه است. طبقه کارگر در جریان این مبارزه است که به موقعیت ممتاز خود در رابطه اش با سرمایه، جایگاهش در تقسیم کار اجتماعی و موقعیت ویژه خود در نظام سرمایه داری پی میبرد و با درک موجودیت خود بعنوان فروشنده نیروی کار میتواند ابعاد جامعه سوسیالیستی که شعارش "زهرکس به اندازه توانش و به هرکس به اندازه نیازش" است را دریابد. نوع و شکل دخالت سیاسی و سازمانی طبقه کارگر در این مبارزات اقتصادی تصویری از ساختار سیاسی و اجتماعی که این طبقه با سرنگونی بورژوازی متحقق میکند را به دست میدهد. قدم اول در شکل دادن به این آگاهی طبقاتی هماهنگی مبارزات جاری اقتصادی، شعارها و مطالبات آن است.
 - ۲- تبلیغ و سازماندهی جنبش مجامع عمومی

مجامع عمومی بر رای مستقیم کارگری تکیه دارند، از آنجا که این مجامع محتاج اجازه دولت برای تشکیل خود نیستند، از آنجا که این مجامع کل کارگران را و نه فقط نمایندگان آن ها را در مقابل دولت و
- آنچه که ادامه حاکمیت سرمایه و دولت نماینده آن در ایران را تضمین میکند، پراکندگی، عدم آگاهی و غیرمتشکل بودن طبقه کارگر در ایران است.
- بار دیگر در خرداد سال ۱۳۸۸ توده های وسیعی از مردم ایران در غیاب حضور متشکل و آگاهانه طبقه کارگر و حزبش، به امید یک گشایش سیاسی و فرهنگی و به امید یک زندگی کمتر مشقتبار اقتصادی، حول آلترناتیو بورژوازی جنبش سبز بسیج شدند و بار دیگر شکست خوردند. بار دیگر مردم به فریب بخشی از طبقه حاکمه امید بستند و شکست خوردند. نه فشار اقتصادی کم شد و نه فضای سیاسی و فرهنگی گشایشی یافت.
- سرکوب کمونیست ها و فعالین کارگری و فعال شدن اعتراض بخشی از طبقه حاکمه پس از انتخابات ریاست جمهوری و تحمیل آن بعنوان اعتراض کل جامعه به رژیم اسلامی، در کنار پیوستن بخش وسیعی از نیروها و احزاب سیاسی که سابقا خود را سوسیالیست و مدافع منافع طبقه کارگر معرفی میکردند به این جنبش بورژوازی، موقعیت متفاوتی را برای گرایش سوسیالیستی و کمونیستی درون طبقه کارگر و حزب کمونیست کارگری - حکمتیست ایجاد کرده است.
- فراخوان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به طبقه کارگر، اعضا و فعالین خود و به همه کمونیست ها و رهبران کارگری تلاش برای رفع موانع ذهنی و عملی تشکل و آگاهی طبقه بعنوان تنها طبقه نجات دهنده کل جامعه، مدعی قدرت و رهبر جامعه در مبارزه برای رهایی از شر جمهوری اسلامی و پایان دادن به حاکمیت بورژوازی و برپا کردن جامعه ای سوسیالیستی در ایران است.
- از آنجا که:
- بورژوازی در ایران برای تضمین و توسعه سود خود، طبقه کارگر را در مراکز صنعتی بزرگ متمرکزتر و آن را به قدرتمندترین دشمن طبقاتی خود تبدیل کرده است.
- دولت جمهوری اسلامی به نمایندگی بورژوازی در ایران برای تضمین سودآوری بالای سرمایه (دولتی و غیردولتی)، با سرکوب بیرحمانه طبقه کارگر و تحمیل فلاکت بی سابقه و بیکارسازی های گسترده در تلاش مدام برای پائین نگاه داشتن دستمزد کارگران و تامین شرایط استثمار وحشیانه طبقه کارگر در ایران است؛
- بورژوازی حاکم در ایران برای عبور از بحران اقتصادی حاضر و در دوره اخیر بخصوص با تصویب قوانین حذف سوبسیدها و خصوصی سازی ها با تحمیل فقر و فلاکت و بیکاری بیشتر به طبقه کارگر در ایران میلیون ها خانواده کارگری را در معرض نابودی قرار داده است.
 - دولت و کارفرمایان برای جلوگیری از مبارزه متحد کارگران و تحمیل تفرقه میان طبقه کارگر در کنار دامن زدن به تفرقه های جنسی، مذهبی و قومی چنان شرایط استخدامی را به کارگران تحمیل کرده اند که آنها را به کارگران استخدام دولتی، قراردادهای موقت و سفید و پیمانی تقسیم میکند. شرایطی که حفظ و تامین شغل

قرار شماره ۱

پیشنهاد دهندگان: بهرام مدرسی، رحمان حسین زاده، اعظم کم گویان، رضا دانش، آذر مدرسی، مظفر محمدی، خالد حاج محمدی، اسد گلچینی
این قرار تعداد حمایت کننده کافی دارد

حمایت از مبارزات آزادیخواهانه و برابری طلبانه در دانشگاه ها

کنگره چهارم حزب حکمتیست تصویب میکند که:

مبارزات آزادیخواهانه دانشجویان در دانشگاه های کشور یکی از عرصه های مهم مبارزه کمونیستها بر علیه سرکوب و خفقان جمهوری اسلامی است.

سرکوب وحشیانه این مبارزات در چند سال اخیر توسط جمهوری اسلامی، زمینه را برای دست اندازی گرایشات بورژوازی از جمله جنبش سبز، برای به عقب راندن رادیکالیسم و مبارزه کمونیستی و دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب در دانشگاه های ایران را فراهم کرده است.

ما ضمن تلاش برای سازماندهی مبارزات رادیکال و کمونیستی دانشجویان برای آزادی و برابری، و برای در هم شکستن استبداد و سرکوب حکومت جمهوری اسلامی و هر تلاش تخطئه گرایانه دیگر، بار دیگر از همه مبارزان صفوف تشکل "دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب" حمایت کرده و با همه توان در تداوم سنت و مبارزات این تشکل با درس گیری از تجارب گرانها و همچنین نارسایی و کمبودهای آن می کوشیم.

قرار شماره ۲

پیشنهاد دهندگان: بهرام مدرسی، رحمان حسین زاده، اعظم کم گویان، رضا دانش، آذر مدرسی، خالد حاج محمدی، اسد گلچینی
این قرار تعداد حمایت کننده کافی دارد

لغو قراردادهای موقت و سفید امضا

کنگره چهارم حزب حکمتیست تصویب میکند که: استخدام کارگران با قراردادهای موقت و سفید امضا و وجود شرکت های پیمانی برای استخدام کارگران با شرایط دشوارتر از این، تا هم اکنون بیشترین مصائب و مشکلات را در داشتن حداقل امنیت شغلی برای بیش از ۸۰ درصد کارگران در ایران فراهم کرده است. سرمایه داران و دولت جمهوری اسلامی بانی این وضعیت هستند. کنگره چهارم حزب حکمتیست از خواست به حق طبقه کارگر مبنی بر لغو و برچیدن قراردادهای موقت و سفید امضا و شرکت های پیمانی حمایت میکند و طبقه کارگر را به مبارزه ای متشکل و گسترده در این زمینه فرامیخوانیم.

قرار شماره ۳

پیشنهاد دهندگان

امضا ها: اسد گلچینی، رضا دانش، اعظم کم گویان، بهرام مدرسی
این قرار تعداد حمایت کننده کافی دارد

در مورد مطالبه بیمه بیکاری

کنگره چهارم حزب حکمتیست تصویب میکند که:

به کارگران و افراد بیکار اعم از زن و مرد در جامعه باید بیمه بیکاری مکفی تعلق بگیرد. دولت موظف به ایجاد شغل برای همه افراد آماده به کار زن و مرد در جامعه است. افراد بیکار و فرزندان تحت تکلف باید از همان روز اول بیکاری، شامل دریافت بیمه بیکاری شوند. هر نوع طرحی که بخشی از کارگران و مردم زحمتکش را از دستیابی به حقوق اولیه خود محروم میکند از نظر ما مردود است. طرح هایی همچون "سهم عدالت" و طرح های احمدی نژادی برای تقسیم پول تحت اسامی مختلف، بعنوان بخشی از سرکوب و تحمیق کارگران و مردم زحمتکش باید افشا شود. کار و یا بیمه بیکاری مکفی جز حقوق اولیه کارگران و افراد بیکار در جامعه است و باید تامین شود. ما همه کارگران آگاه را به این کارزار فرا میخوانیم و بیمه بیکاری مکفی و تا زمان اشتغال مجدد را، بعنوان مطالبه فوری تبلیغ کرده و خواهان تحقق آن هستیم.

قرار شماره ۴

پیشنهاد دهندگان: آذر مدرسی، رحمان حسین زاده، خالد حاج محمدی، اسد گلچینی، مظفر محمدی، بهرام مدرسی، اعظم کم گویان، رضا دانش
این قرار تعداد حمایت کننده کافی دارد

در حمایت از مطالبات مندرج در "منشور مطالبات حداقلی کارگران ایران"

کنگره چهارم حزب حکمتیست از مطالبات مندرج در "منشور مطالبات حداقلی کارگران ایران" صادره از سوی تشکلهای فعالین کارگری در ۲۱ بهمن ۱۳۸۸ که بخشی از مطالبات مهم طبقه کارگر ایران است حمایت میکند. کنگره تلاش برای تبدیل این مطالبات به پرچم مبارزاتی و اتحاد طبقه کارگر و تلاش برای تحقق آنها را امر حزب حکمتیست میداند.

قرار شماره ۵

پیشنهاد دهندگان: اسد گلچینی، آذر مدرسی، رحمان حسین زاده، خالد حاج محمدی
این قرار تعداد حمایت کننده کافی دارد

در تائید سیاستهای رهبری حزب حول "انتخابات" ۲۲ خرداد ۸۸ و تحولات بعد از آن

کنگره چهارم حزب حکمتیست، سیاستهای رهبری حزب در برخورد به تحولات بعد از "انتخابات" ریاست جمهوری در خرداد ۱۳۸۸ و تحولات حول آن را به عنوان سیاست پرولتاری، کمونیستی و رادیکال تائید میکند.

در این راستا کنگره سند "آنچه باید آموخت" مصوب پلنوم ۱۵ کمیته مرکزی حزب را مورد تائید قرار میدهد و توجه همه فعالین کمونیست، طبقه کارگر و صف آزادیخواهی جامعه را به آن جلب میکند.